

دکتر رابرت ای. پترسون، روح القدس و اتحاد با مسیح، جلسه ۱۱، مبانی اتحاد با مسیح، یوحنا ۱۷

رابرت پترسون و تد هیلدبرانت © ۲۰۲۴

این دکتر رابرت پترسون در حال تدریس در مورد روح القدس و اتحاد با مسیح است. این جلسه ۱۱، مبانی اتحاد با مسیح، یوحنا ۱۷ است.

ما مطالعات خود را در مورد اتحاد با مسیح، به ویژه اکنون اتحاد با مسیح در انجیل یوحنا، ادامه می‌دهیم و به یوحنا ۱۷ می‌رسیم که از سکونت متقابل پدر و پسر، و پسر و مؤمنان صحبت می‌کند.

پسر خود را در دعای بزرگ کاهنان در یوحنا ۱۷ می‌بیند؛ او خود را در حالی می‌بیند که مأموریتش را به پایان رسانده و به سوی پدر بازگشته است. این ذهن اوست. این دیدگاه اوست. به نظر من، تقسیم‌بندی سنتی درست است.

عیسی برای خودش دعا می‌کند، آیات ۱-۵، شاگردانش آیات ۶-۱۹، و جهان آیات ۲۰-۲۶. عیسی در آیه ۲۱ یوحنا ۱۷:۲۱، آیه ۲۰ دعا می‌کند: «من نه تنها برای اینها، بلکه برای کسانی که به وسیله کلام آنها به من ایمان خواهند آورد نیز دعا می‌کنم، تا همه آنها یکی باشند، همانطور که تو، ای پدر، در من هستی و من در تو تا آنها نیز در ما باشند، تا جهان ایمان آورد که تو مرا فرستاده‌ای.» سکونت متقابل پدر و پسر، اساس وحدت کسانی است که از طریق شهادت رسول به عیسی ایمان می‌آورند.

عیسی دعا می‌کند که همه آنها یکی باشند، همانطور که تو، ای پدر، در من هستی و من در تو، تا آنها در ما باشند، تا جهان ایمان آورد که تو مرا فرستاده‌ای - سکونت متقابل پدر و پسر، و پسر و مؤمنان. مؤمنان در پدر و پسر هستند.

عذرخواهی می‌کنم، جهت‌گیری من اشتباه است. باید پدر و پسر، و پدر و پسر، و مؤمنان در یکدیگر ساکن باشند. مؤمنان در پدر و پسر هستند.

فقط در اینجا، یوحنا از ایماندارانی صحبت می‌کند که در پدر و پسر هستند. در هر زمان دیگری، گفته می‌شود که ایمانداران در پسر هستند. همانطور که قبلاً در یوحنا ۱۴:۲۳ اشاره شد، گفته می‌شود که پدر و پسر در ایمانداران ساکن هستند (یوحنا ۱۴:۲۳). (بنابراین، یوحنا نظام‌مند کردن آموزه‌های خود را تشویق می‌کند.

در واقع، اگرچه یوحنا هرگز به طور سیستماتیک نمی‌گوید، اما ما نتیجه می‌گیریم که در تثلیث مقدس هستیم با توجه به وحدت الوهیت، این یک نتیجه اجتناب‌ناپذیر است. ما اشخاص الهی را از هم متمایز می‌کنیم اما هرگز آنها را از هم جدا نمی‌کنیم.

حتی جدایی که با فریاد عیسی مبنی بر ترک صلیب در متی ۲۷:۴۶، خدای من، خدای من، چرا مرا رها کردی، نشان داده شده است، رابطه‌ای است و نه هستی‌شناختی. این جدایی، وجود تثلیثی خدا را مختل نکرد. در اینجا، مؤمنان در سکونت متقابل الوهیت گرفتار شده‌اند.

ما تمایز خالق-مخلوق را حفظ می‌کنیم و اصرار داریم که تثلیث به طریقی در یکدیگر و ما ساکن است که ما در تثلیث ساکن نیستیم. با این حال، تلاش برای درک این موضوع که مؤمنان به شیوه‌ای مخلوق و ناشی از

لطف، از طریق مسیح و کار روح، در تثلیث هستند، مرموز و شگفت‌انگیز است. این چه ربطی به صلاحیت‌ها دارد؟ ما در عشق و حیات الهی که شخصیت‌های تثلیثی همیشه به شیوه‌ای مخلوق به اشتراک گذاشته‌اند سهیم هستیم.

خدا خالق ابدی و بی‌نهایت است. ما نه ابدی هستیم و نه بی‌نهایت. خب، ما خالق نیستیم.

ما خالقان برابر نیستیم. یا مخلوقیم. خدا بی‌نهایت، ابدی و خالق است.

ما متناهی و محدود هستیم. ما جاودانه هستیم، آفریده شده‌ایم و سپس تا ابد باقی می‌مانیم، اما ابدی نیستیم. و ما مخلوق هستیم و همیشه خواهیم بود.

و سکونت متقابل شخصیت‌های تثلیث در یکدیگر، ذاتی است. این ماهیت آنها به عنوان خدای واحد است. سکونت ما در تثلیث، این کلمات واقعاً ظالمانه هستند، از طریق فیض است.

نه ذاتاً. تنها از طریق مسیح و اتحاد با اوست که ما در عشق و زندگی خدا سهیم می‌شویم. اگرچه یوحنا این را تعلیم نمی‌دهد، اما پولس به روشنی تعلیم می‌دهد که روح‌القدس بازیگر اصلی است که ما را به مسیح می‌پیوندد، حتی همانطور که او بازیگر اصلی در به کارگیری نجات است.

به شیوه‌ای مخلوق و ناشی از لطف الهی، از طریق مسیح و عملکرد روح‌القدس، مؤمنان در عشق الهی و زندگی الهی که شخصیت‌های تثلیثی همیشه در آن سهیم بوده‌اند، سهیم می‌شوند. خداوند ما را به اتحاد با خود می‌آورد. به نظر من، حتی در همین سخنرانی‌ها، پس از سال‌ها تدریس این مطالب، پیشرفتی در درک آنها نداشته‌ام.

زیرا این موضوع از بسیاری جهات برای ما جدید است، و از برخی جهات، ما به گونه‌ای تحت تأثیر آن قرار می‌گیریم که شاید تحت تأثیر چیزهایی که همیشه به آنها اعتقاد داشته‌ایم، نباشیم. مثلاً اینکه خدا حیات جاودان می‌دهد، خدا به ما حیات جاودان می‌دهد، و ما با خدا رفاقت داریم. اما این دو روش مختلف برای بیان یک چیز هستند.

وقتی می‌گوییم حیات جاودان داریم، منظورمان کسانی است که از نظر روحانی مرده و فاقد حیات خدا هستند، افسسیان ۲: ۱ تا ۴، با مسیح زنده شده، با او برخیزانیده شده و در جای‌های آسمانی با او نشست‌ایم. ما حیات جاودان خدا را شریک هستیم. علاوه بر این، اول یوحنا ۱، حدود آیه ۳، مشارکت ما با پدر و با پسرش، عیسی مسیح است.

این از دهانمان می‌غلند، برای ما کمی پیش پا افتاده است، اما اینطور نیست. ما با خدای ابدی و جاودانه رفاقت داریم. بنابراین، واقعاً، این ماجرای پری‌کورسیس، هر چقدر هم که شگفت‌انگیز باشد، چیز کاملاً جدیدی نیست.

این به همان اندازه غیرقابل درک است که موجوداتی که در گناه مرده‌اند، اکنون و تا ابد در حیات جاودان خدا سهیم هستند و از آن لذت می‌برند، و حتی همان موجوداتی که اکنون و تا ابد با خدای سه‌گانه مشارکت دارند. پیروان پدر و پسر و پیروان پسر با مؤمنان. عیسی در آیات ۲۲ و ۲۳ به صحبت با پدر ادامه می‌دهد.

جلال الهی که پدر به پسر مجسم داد، اساس اتحاد مؤمنان است، همانطور که پدر و پسر متحد هستند. جلالی را که تو به من داده‌ای، یوحنا ۱۷: ۲۲، من به ایشان داده‌ام تا آنها یکی باشند، همانطور که ما یکی

هستیم. عیسی آیه ۲۳ را اضافه می‌کند، من در آنها و تو در من، ای پدر، تا آنها کاملاً یکی شوند، تا جهان بدانند که تو مرا فرستادی و آنها را دوست داشتی، همانطور که مرا دوست داشتی.

عیسی در آیه ۲۳ اضافه می‌کند که او سکونت پدر در پسر را با سکونت خود در ایمانداران ترکیب می‌کند. تکرار می‌کنم، پیروان الهی، پری‌خورسیس و ختنه منحصر به فرد هستند و نمی‌توان آنها را با موجودات صرف تکرار کرد. با این حال، معیاری که عیسی برای وحدت مسیحی ارائه می‌دهد، معیار بین پدر و پسر است.

و این وحدت شامل سکونت پدر در پسر و سکونت مسیحیان پسر در او می‌شود. یوحنا بار دیگر ما را به سمت یک مسیر تبلیغی سوق می‌دهد. همه اینها درست است.

عیسی می‌گوید: «خدا در ماست و ما در خدا، تا جهان بدانند که تو مرا فرستاده‌ای، و تو جهان را دوست داری، همانطور که مرا دوست داشتی.» در این مورد، من با احترام می‌گویم: خدا، خدای مبلغ است، و پسرش مطمئناً با حرف بزرگ «م» مبلغ بزرگی است. عیسی در آیه ۲۶ به موضوع عشق بازمی‌گردد. او سخنان خود را قبلاً تکرار می‌کند.

ای پدر عادل، اگرچه جهان تو را نمی‌شناسد، من تو را می‌شناسم و اینها می‌دانند که تو مرا فرستاده‌ای. من ۲۵ نام تو را به ایشان شناساندم و همچنان خواهم شناساند تا عشقی که تو به من ورزیده‌ای در ایشان باشد و من نیز در ایشان باشم. عیسی به موضوع عشق بازمی‌گردد و سخنانی را که قبلاً در آیات ۶ تا ۸ آمده است، تکرار می‌کند که به ما می‌گویند او پدر را به کسانی که پدر به او داده بود، آشکار کرد.

پدر را به آنها آشکار خواهد کرد. هدف او این است که عشقی که پدر به پسر داشت، در شاگردان باشد و مسیح در آنها باشد. شایسته است که سه کلمه آخر این دعای بزرگ، از سکونت پسر در قوم خدا به عنوان تکمیل خدمتی که پدر به او داده است، و من در آنها، صحبت کند.

در مورد متن یونانی هم همینطور است، و من خودم در آنها هستم. نتیجه‌گیری برای انجیل یوحنا. انجیل یوحنا حرف‌های زیادی برای گفتن در مورد اتحاد با مسیح دارد.

یوحنا هرگز مانند پولس از مرگ ایمانداران با مسیح یا دفن شدن و برخاستن آنها با او سخن نمی‌گوید، و مانند پولس از برکت یافتن ما توسط خدا در مسیح سخن نمی‌گوید. در عوض، عیسی عمدتاً با ضمیر اول شخص در گفتارهایش درباره نان حیات، چوپان نیکو، تاک، شاخه‌ها و در دعای کاهن اعظم خود برای تعلیم حقایق تکمیلی به حقایق که پولس در نامه‌هایش آشکار کرده است، صحبت می‌کند. پدر و پسر در یکدیگر ساکن هستند.

پدر و پسر در ایمانداران ساکن خواهند شد. در واقع، روح القدس خواهد آمد و او با آنها و در آنها خواهد بود. پدر و پسر و ایمانداران متقابلاً در یکدیگر ساکن خواهند شد.

پدر و پسر در یکدیگر ساکن هستند. پدر و پسر در مؤمنان ساکن خواهند بود، و روح القدس نیز همینطور. پدر و پسر و مؤمنان متقابلاً در یکدیگر ساکن خواهند بود.

پدر و پسر در یکدیگر ساکن هستند. یوحنا اعلام می‌کند که پدر در پسر است و در او ساکن است. پسر در پدر است و پدر و پسر در یکدیگر هستند.

خلاصه اینکه، پدر و پسر متقابلاً در یکدیگر ساکن هستند. این همان چیزی است که برای خدا به عنوان یک تثلیث واحد معنا می‌دهد. اگر می‌گوییم دو-وحدت، فقط به این معنی است که این همان چیزی است که یوحنا تا به اینجا گفته است، و خداوند از پولس استفاده کرد تا این را در قالب تثلیث شرح دهد.

من انکار نمی‌کنم که خدا همیشه سه نفر در یک نفر بوده است. با این حال، او همیشه این را آشکار نکرده است، و به نظر من آموزه تثلیث زیرمجموعه‌ای از آموزه فیض است. ما می‌آموزیم که دو شخص در الوهیت وجود دارد، زمانی که شخص دوم برای ما گناهکاران و نجات ما انسان می‌شود، در نهایت می‌میرد و دوباره زنده می‌شود.

ما می‌آموزیم که خدا یک وحدت سه‌گانه است، زمانی که پدر و پسر روح القدس را در پنطیکاست می‌فرستند خدا همیشه اینگونه بوده است، اما این را به طور کامل آشکار نمی‌کند تا زمانی که تاریخ رستگاری به تجسم و سپس به پنطیکاست منتقل شود. پدر در پسر است.

عیسی پیش از مرگ و رستاخیزش، خطاب به پدر، در مورد مؤمنان دعا می‌کند. او می‌گوید: «من در آنها و آنها (و شما در من)» (۱۷:۲۳).

عیسی گفت: «من، عیسی، در مؤمنان، و تو، پدر، در من.» و پدر در پسر ساکن است. بودن در پسر معادل ساکن بودن در پسر است، همانطور که توازی زیر نشان می‌دهد.

عیسی به فیلیپ می‌گوید، آیا باور نمی‌کنی که من در پدر هستم و پدر در من است؟ سخنانی که به شما می‌گویم، از خودم نمی‌گویم، بلکه پدری که در من ساکن است، اعمال خود را انجام می‌دهد. پدر در من است. پدر در من ساکن است.

یوحنا ۱۰:۱۴. علاوه بر این، پسر در پدر است. عیسی شاگردان را برای خروج خود و ورود روح آماده می‌کند. در آن روز، خواهید دانست که من در پدر هستم.

. در واقع، پدر و پسر در یکدیگرند. پدر در من است. من در پدر هستم. ۱۴:۲۰.

آیا باور نداری که من در پدر هستم و پدر در من است؟ ۱۴:۱۰. باور کن، من در... هستم و پدر در ۱۰:۳۸. من است. ۱۴:۱۱. همانطور که تو، پدر، در من هستی و من در تو. ۱۷:۲۱. این چهار بار است.

پس نتیجه می‌گیریم که پدر و پسر در یکدیگر هستند یا به عبارت دیگر، در یکدیگر ساکنند. به دلیل این پریکورسیس، سکونت الهی متقابل، به طرز شگفت‌آوری، دیدن عیسی، به عنوان یک انسان روی زمین، به معنای دیدن پدر نامرئی است. ۱۴:۹. هیچ یک از آیات فوق شامل روح القدس در سکونت متقابل نمی‌شود.

این با الگوی یوحنا مبنی بر واگذاری خدمات روح القدس تا حد زیادی به پس از پنطیکاست مطابقت دارد. بنابراین، با اذعان به اینکه یوحنا چنین چیزی نمی‌گوید، آموزه‌های او را نظام‌مند می‌کنیم و روح القدس را نیز در آن می‌گنجانیم. هر سه شخصیت تثلیثی در یکدیگر هستند.

آنها حیات الهی را به اشتراک می‌گذارند. هر یک از آنها خدای مقدس است و در دو شخص الهی دیگر قرار دارد. من دیگر این را شرح نمی‌دهم، مبادا شما را به خواب ببرم.

پدر و پسر در مؤمنان ساکن خواهند شد. یوحنا تأیید می‌کند که پسر در مؤمنان خواهد بود و پدر و پسر. پدر و پسر در مؤمنان ساکن خواهند شد، SUM، خواهند آمد تا با آنها خانه کنند. به طور خلاصه

پسر در ایمانداران خواهد بود. عیسی وعده می‌دهد که وقتی روح حقیقت را بفرستد، خواهید دانست که من در پدر هستم، شما در من، و من در شما. ۱۴:۲۰. مسیح نه تنها در ایمانداران ساکن خواهد شد، بلکه آنها را از حضور خود نیز آگاه خواهد ساخت.

عیسی در دعای کاهنانه‌ی خود برای پدر، دو بار می‌گوید که در ایمانداران خواهد بود. در ایمانداران. عیسی به شاگردان جلال می‌دهد تا آنها نیز متحد باشند، همانطور که ما یکی هستیم.

من در آنها و تو در من. ۱۷:۲۲-۲۳. چند آیه بعد، او می‌گوید که پدر را به شاگردان شناساند و همچنان این کار را خواهد کرد تا عشق پدر به پسر در آنها باشد و من در آنها - آیه ۲۶.

علاوه بر این، هم پدر و هم پسر در مسیحیان ساکن خواهند بود. عیسی این حقیقت حیاتی را با تصویری گرم بیان می‌کند. هر کسی که عیسی را دوست داشته باشد و از او اطاعت کند، برکت ویژه‌ای دریافت خواهد کرد و به طور ویژه مورد محبت پدر قرار خواهد گرفت.

و عیسی در مورد پدر اعلام می‌کند که ما به سوی او خواهیم آمد و با او خانه خواهیم ساخت. ۱۴:۲۳. پدر و پسر با مؤمنان مسکن خواهند گزید. البته، مکاشفه عهد جدید فولر به ما می‌آموزد که روح القدس را در این سکونت الهی بگنجانیم.

در واقع، پولس عمدتاً این نقش را به روح القدس واگذار می‌کند. کارسون در این آیه از سنت آگوستین به عنوان کسی که از سکونت خدای سه‌گانه در مؤمن دفاع می‌کند، نقل قول می‌کند. من از دیدن اینکه سنت آگوستین آنچه را که یوحنا نمی‌گوید، سیستماتیک می‌کند، بسیار خوشحالم.

پدر و پسر و مؤمنان در یکدیگر ساکن خواهند بود. یوحنا تعلیم می‌دهد که مؤمنان در پدر و پسر خواهند بود. عیسی و مؤمنان در یکدیگر خواهند بود و عیسی و شاگردانش متقابلاً در یکدیگر ساکن خواهند بود.

خلاصه کلام اینکه، پدر و پسر و مؤمنان متقابلاً در یکدیگر ساکن خواهند بود. مؤمنان در پدر و پسر خواهند بود. عیسی برای وحدت مؤمنان آینده دعا می‌کند و از وحدت پدر و پسر به عنوان معیار خود استفاده می‌کند.

همانطور که تو، ای پدر، در من هستی و من در تو، تا ایشان نیز در ما باشند. ۱۷:۲۱. یوحنا مکرراً می‌گوید که عیسی و مؤمنان در یکدیگر خواهند بود یا در یکدیگر خواهند ماند. عیسی پیش‌بینی می‌کند و نقل قول می‌کند که در آن روز، خواهید دانست که من در پدر هستم، تو در من، و من در تو.

عیسی و شاگردان حقیقی او در یکدیگر ساکن خواهند بود. جسم من غذای حقیقی و خون من. ۱۴:۲۰. نوشیدنی حقیقی است.

هر که از گوشت من تغذیه کند و خون مرا بنوشد، در من می‌ماند و من در او. ۵۵:۶-۵۶. در من بمانید و من در شما. همانطور که شاخه نمی‌تواند به خودی خود میوه دهد مگر اینکه در تاک بماند، شما نیز نمی‌توانید میوه دهید مگر اینکه در من بمانید.

من تاک هستم و شما شاخه‌ها. هر که در من بماند و من در او، اوست که میوه فراوان می‌دهد، زیرا جدا از من شما نمی‌توانید کاری انجام دهید. به دلیل عشق پدر به پسر و عشق آنها به جهان و به دلیل تجسم، مرگ و رستاخیز پسر، مؤمنان در پدر و پسر خواهند بود.

هرچند شگفت‌انگیز به نظر می‌رسد، اما مؤمنان به عنوان عملی از روی لطف، تا جایی که موجودات بتوانند از حیات الهی بهره‌مند شوند، به طور متقابل در وجود اشخاص تثلیث ساکن خواهند شد. سخنان دیوید کرامپ، هدفمند و نقل قولی است و حیات خدا را به عنوان قلب و روح درک یوحنا از رستگاری، به طور متقابل در وجود آنها ساکن می‌کند. شمول هر مؤمن در تبادل حیات و عشق الهی بین پدر و پسر، جوهره قلب و روح پیام او در مورد حیات جاودان است. نقل قول نزدیک

این یک مقاله ژورنالی است، دیوید کرامپ، بررسی مجدد تثلیث یوحنا، پریکورسیس یا الوهیت، مجله اسکاتلندی الهیات، ۵۹، شماره ۴، سال ۲۰۰۶، صفحه ۴۱۰. این نقل قول از ... بود. یوحنا روح القدس را در مأموریت خدا لحاظ می‌کند. عیسی از پدر خواهد خواست که روح را بفرستد تا در مؤمنان ساکن شود و با آنها باشد و آنها را خواهند شناخت.

آنها روح را خواهند شناخت، یوحنا ۱۴، ۱۷. اگرچه یوحنا مانند پولس، کار روح و اتحاد با مسیح را مرتبط نمی‌داند، اما مواد اولیه لازم برای الهیات سیستماتیک را برای انجام این کار فراهم می‌کند. من از شهرتم به تکراری بودن در مورد چنین نکته‌ای عذرخواهی نمی‌کنم، زیرا نشان می‌دهد که من در تلاش و کوشش برای پایه‌گذاری الهیات سیستماتیک خود بر اساس کتاب مقدس هستم.

عذرخواهی لازم نیست. درخواست. سوال فریاد می‌زند که باید پرسیده شود

خب که چی؟ این الهیات یوحنا چه فرقی ایجاد می‌کند؟ اول از همه، مؤمنان باید از این حقایق و واقعیت‌هایی که منتقل می‌کنند، سرشار از شگفتی و پرستش شوند. چه انسانی از آنها برداشت می‌کند؟ هیچ انسانی. از نظر من، این گواهی بر رد پای الهی در سراسر انجیل یوحنا است.

چه کسی این چیزها را از خودش در می‌آورد؟ در اینجا چیزهای زیادی برای تفکر و پرستش خدایی که ما را اینگونه دوست دارد، وجود دارد. دوم، ما باید پسر خدا را که غذای واقعی ماست، بخوریم و بنوشیم، ۶:۵۵-۵۷. یعنی، بگذارید دوباره آن آیات را تکرار کنم.

آنها خیلی ثروتمند هستند. یوحنا ۶:۵۵-۵۷. گوشت من غذای حقیقی و خون من نوشیدنی حقیقی است.

هر که از گوشت من تغذیه کند و خون مرا بنوشد، در من ساکن می‌شود و من در او. جای تعجب نیست که او یهودیان را رسوا کرد. همانطور که پدر زنده مرا فرستاد و من به خاطر پدر زنده هستم، هر که از من تغذیه کند، او نیز به خاطر من زنده خواهد ماند.

یعنی ما باید پسر خدا، غذای حقیقی خود را بخوریم و بنوشیم. ما باید برای رزق و روزی روحانی به او تکیه کنیم، همانطور که برای زندگی جسمانی به نان روزانه خود تکیه می‌کنیم. پسر مجسم اکنون به ما حیات جاودان می‌دهد و در پایان عصر ما را از مردگان به حیات جاودان خواهد برانگیخت.

سوم، به دلیل پیوستگی شخصیت‌های الهی، ما باید برای شناخت پدر نامرئی، بر پسر تمرکز کنیم، ۱۴:۸-۱۱. مطالعه ما در مورد اتحاد با مسیح نباید ما را از شخصیت او دور کند، بلکه باید عمیق‌تر به شخصیت او نزدیک کند. ما از مزایای زیادی بهره‌مند می‌شویم، اما این مزایا فقط از اتحاد با مسیح حاصل می‌شود. او باید همچنان کانون توجه ما باشد.

اگر می‌خواهیم از شخصیت، سخنان و راه‌های خدا بیاموزیم، باید مسیح‌شناسی را مطالعه کنیم زیرا او گفته است، هر که مرا دیده، پدر را دیده است. من در پدر هستم و پدر در من است، یوحنا ۹:۱۴-۱۰. چهارم، ما

شاخه‌هایی هستیم که امتیاز و مسئولیت ماندن در تاک، پسر خدا را داریم. این بدان معناست که ما در عشق او می‌مانیم، عشقی که پدر او را دوست داشت، یوحنا ۱۵: ۹. ما در یک رابطه شخصی با عیسی ادامه می‌دهیم.

چون می‌دانیم که او ما را دوست دارد، ما نیز او را دوست داریم. ما کسی را که ابتدا ما را دوست داشت، دوست داریم. ما از معاشرت غنی با او لذت می‌بریم، زیرا در اطاعت با او گام برمی‌داریم.

دعاهای مستجاب و شادی در پی آن می‌آید. پنجم، پس از شنیدن سکونت متقابل با پدر و پسر در دعای عیسی، در یوحنا ۱۷: ۲۲-۲۳، جلالی که به من داده‌ای، ای پدر، من به ایشان داده‌ام تا ایشان یکی باشند چنانکه ما یکی هستیم، من در ایشان و تو در من، تا ایشان کاملاً یکی شوند تا جهان بدانند که تو مرا فرستاده‌ای و ایشان را دوست بداری، چنانکه مرا دوست داشتی. ششم، پس از شنیدن سکونت متقابل پدر و پسر در دعای عیسی در ۱۷: ۲۲-۲۳، باید انگیزه داشته باشیم تا وحدتی را که مسیح برای آن دعا می‌کند، در زندگی خود به نمایش بگذاریم.

شرم‌آور است که اجازه دهیم آموزه‌ها، تعصبات یا هر چیز دیگری مانع از پذیرش دیگر مسیحیان شود همانطور که مسیح ما را پذیرفت. رومیان ۷: ۱۵. یکدیگر را بپذیرید، همانطور که خدا شما را پذیرفته است. یا مسیح؟ یا نقل قول من اشتباه است، یا جمله من اشتباه است.

من نمی‌توانم با این کنار بیایم. بنابراین، همانطور که مسیح از شما استقبال کرده است، از یکدیگر استقبال کنید. او، این حتی بهتر است.

برای جلال خدا. من آن را دوست دارم. در عوض، ما باید از نظر اعتقادی مؤمن باشیم، که شامل عمل به آموزه‌های کتاب مقدس در مورد عشق به دیگر مؤمنان و مشارکت با آنها می‌شود.

یعنی، ما باید بتوانیم دست راستِ رفاقت را به هر مؤمن واقعی دیگری در خداوند عیسی مسیح بدهیم. این به آن معنا نیست که ما تمام ویژگی‌های فرقه‌ای خود را به باد دهیم. این به آن معنا نیست که ما از یک که کمترین وجه مشترک را دارد، پیروی کنیم، زیرا چیزهای دیگری علاوه بر انجیل مهم، LCD مسیحیت هستند.

اما این بدان معناست که انجیل از همه مهم‌تر است و مطمئناً اساس پذیرش یکدیگر و رفاقت ما با سایر مؤمنان است. ششم، ما نیز درگیر مأموریت خدا هستیم. ما باید دعا کنیم که خدا زندگی ما را در رساندن مژده به نیازمندان ارزشمند سازد.

این پایان مطالعه ما در مورد اتحاد با مسیح در انجیل چهارم است. و اکنون به اتحاد با مسیح در نامه‌های پولس می‌پردازیم.

این دکتر رابرت پترسون در آموزه‌هایش در مورد روح القدس و اتحاد با مسیح است. این جلسه ۱۱، مبانی اتحاد با مسیح، یوحنا ۱۷ است.